

خبر

موگرینی همچنان دنبال اجرای سازوکار مالی اروپا

● ایرنا: فدریکا موگرینی، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، روز دوشنبه پیش از نشست مقامات اتحادیه اروپا، درباره زمان اجرای سازوکار ویژه مالی این اتحادیه با ایران گفت: این سازوکار باید «هرچه زودتر»، اجرا شود.

لارنس نورمن، خبرنگار روزنامه وال‌استریت، با انتشار توییتی نوشت: پیش از آغاز نشست مقامات اتحادیه اروپا در بروکسل، از فدریکا موگرینی درباره زمان اجرای سازوکار مالی ویژه اتحادیه اروپا برای ایران سؤال کرده که موگرینی فقط اعلام کرد: این طرح باید به‌زودی اجرا شود. مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در ادامه تصریح کرد: این برای ما بسیار مهم است که به تمام چالش‌ها و پیچیدگی‌های ناشی از رفتار ایران در خاک اروپا یا در منطقه رسیدگی و توجه شود، اما وی درعین‌حال بر حمایت از توافق هسته‌ای تأکید کرد. موگرینی به سؤال خبرنگار روزنامه وال‌استریت‌ژورنال درباره اینکه آیا زمان اجرایی‌شدن این سازوکار ویژه مالی در چند روز یا چند هفته آتی است، پاسخی نداد. «هلگا اشمیت»، معاون مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، نیز پیش از نشست وزرای خارجه کشورهای عضو اتحادیه اروپا، با مدیران سیاسی سه کشور اروپایی آلمان، انگلیس و فرانسه درخصوص سازوکار مالی ویژه ایران گفت‌وگو کرد. همچنین موگرینی با وزیر امور خارجه اسلووونی درباره موضوع ایران رایزنی کرد.

عراقچی:

اروپا ناتوان از ثبت سازوکار مالی است

● ایسنا: عراقچی گفت: هنوز هیچ کشوری حاضر نشده است میزبانی سازوکار مالی بین ایران و اروپا را قبول کند؛ تریبش و لوکزامبورگ قبول نکردند و اروپا ناتوان از ثبت SPV است. معاون سیاسی وزیر امور خارجه کشورمان در همایش تحولات منطقه و نظام بین‌الملل گفت: از وقتی آمریکا از برجام خارج شد، اروپا تلاش کرده خواسته‌های ایران در حوزه‌های مختلف از جمله نفت و بانک‌آمین نشود و تا الان به‌طور جدی به کار ادامه دارند.

عراقچی گفت: به لحاظ مواضع سیاسی، اروپا در این شش ماه کم نگذاشته است، اما این مدت کمی نیست که نتوانند اقدامات عملی را پیدا کنند و هنوز قادر نیستند از SPV به‌طور رسمی اعلام کنند که یکی از دالایل آن، فشار آمریکاست که بسیار سنگین بوده است. آمریکایی‌ها هر کشوری را که از SPV در آن مستقر شود یا بانک‌هایی را که با آن کار کنند، تهدید کرده‌اند. بااین‌حال اروپایی‌ها تلاششان را متوقف نکرده‌اند، اما هنوز هیچ کشوری حاضر نشده است میزبانی این سازوکار را قبول کنند؛ اتریش و لوکزامبورگ قبول نکردند و اروپا ناتوان از ثبت SPV است. چه اروپا نخواهد با ما کار کند و در حال بازی با ما باشد و چه بخواهد و قادر نیست، در نتیجه فرقی نمی‌کند. نتیجه این است که اروپایی‌ها یا نخواهند یا نتوانستند کاری انجام دهند، اما ما تا زمانی که باقی‌ماندن در برجام به نفع کشور باشد، در آن می‌مانیم و اگر این نباشد، ماندن در برجام فایده‌ای ندارد. اگر تا الان ماندیم، به این دلیل است که در ابعاد سیاسی و اقتصادی ماندن به نفع ماست. درحال‌حاضر شرایط مطلوبی است، اما این حتماً پایدار نخواهد ماند و اروپایی‌ها باید بدانند این وضعیت نمی‌تواند به این شکل ادامه پیدا کند. او ادامه داد: هزینه تحریم برای ایران کم نیست، اما ما در نهایت راه خود را پیدا خواهیم کرد. آنها باید بدانند کسی در ایران به دلیل تحریم‌های آمریکا دست خودش را بالا نمی‌برد. الان اجماع جهانی به نفع ماست و همه اعتراف دارند که برنامه هسته‌ای ایران صلح‌آمیز است و ۱۳ گزارش آژانس سند حقایقت ایران است که به تعهداتش پایبند بوده است. ان‌شاءالله اگر انسجام داخلی که محل بحث است وجود داشته باشد، بهتر از گذشته با مسائل کنار خواهیم آمد.

او با بیان اینکه اروپا باید مراقب صدمات فشارها و تحریم‌های آمریکا به شرکت‌ها و کشورهای اروپایی باشد، تصریح کرد: چند مقام اروپایی به خود من گفتند که بعد از برجام فهمیدیم چقدر به دلار وابسته هستیم و شرکت‌های ما به‌جای دست‌ورگرفتن از دولت‌هایشان، از وزارت خزانه‌داری آمریکا دستور می‌گیرند و اینکه آمریکا می‌گوید همه چیز اراده او بایستد، برای اروپایی‌ها پذیرفتنی نیست. اگر اروپایی‌ها کوتاه بیایند، حاکمیت، اعتبار و امنیت آنها زیر سؤال می‌رود. اگر اروپا فکر می‌کند منطقه غرب آسیا بدون برجام امن‌تر است، می‌تواند امتحان کند. منطقه ما کلکسیون از مسائل و مشکلات را دارد، آیا اروپا تحمل موج جدید تروریسم و مهاجرت و شروع بحران هسته‌ای را دارد؟ بی‌شک هزینه ازبین‌رفتن برجام برای اروپا بیشتر از آمریکاست، اگر اروپا تصور می‌کند برجام برای حاکمیت، امنیت و اعتبارش مهم است، باید آماده پرداخت هزینه برای آن باشد.

politics@sharghdaily.ir

سیاست

عبور از روحانی منجر به رادیکالیسم می‌شود



عبور از روحانی، منجر به رادیکالیسم می‌شود

است و درباره آن مناقشه‌ای وجود ندارد؛ یعنی اجماعی ملی علیه اسرائیل در کشور وجود دارد، اما درخصوص سایر همسایگان این اجماع وجود ندارد. ما در دنیای امروز می‌توانیم فضاهایی برای تنفس داشته باشیم. اروپا و همسایگان ما یک فرصت هستند. ترکیه یکی از کشورهای است که می‌توانیم با او روابط استراتژیک داشته باشیم. با جمهوری آذربایجان قرابت فرهنگی نزدیکی داریم و باید از این ظرفیت برای همکاری گسترده‌تر استفاده کنیم و متقابلاً همسایگان ما نیز می‌توانند از ظرفیت بزرگ ایران استفاده کنند. با ترکیه، پاکستان، افغانستان، عراق، جمهوری آذربایجان و سایر همسایگان نیز می‌توانیم روابط استراتژیک داشته باشیم. ما باید با همسایگان توافق امنیتی امضا کنیم؛ به نحوی که احساس کنند از سوی ما در معرض تهدید نیستند. پس باید دنبال ترمیم روابط با همسایگان باشیم یا به تعبیری سیاست خارجی ما با همسایگان باید استراتژیک و پایدار باشد.

مسئله بعدی، تصویر جدید از ایران در عرصه جهانی است. متأسفانه بخشی از افکار عمومی جهان، ذهنیت مثبت یا خوبی از ایران ندارند. این ناشی از دو عامل است؛ یکی تبلیغات بیگانه و دومی سوءمدیریت در داخل. الان بحث حضور زنان در ورزشگاه‌ها به‌عنوان یک مطالبه ملی از سوی زنان مطرح شده است. ما معتقدیم حضور زنان در ورزشگاه یک نیاز اجتماعی و فرصتی برای ایجاد نشاط ملی است و هیچ وجه تفاوت و تمایزی میان دانشگاه، ورزشگاه، سینما، پارک و سایر محیط‌ها نیست. محیط فاسد نیست، بلکه این انسان است که اگر فاسد باشد، در هر محیطی قرار بگیرد فساد می‌کند؛ بنابراین ما نمی‌توانیم جغرافیا را فاسد تعریف کنیم و بگوییم کلاس فاسد، دانشگاه فاسد، ورزشگاه فاسد. هر محیطی هم می‌تواند منشأ فضیلت‌ها و پاکی‌ها و هم عامل زداایل اخلاقی باشد. همه باید اعتراف کنند که در مقابل بروز وضع امروز مسئولیت دارند. نکته بعدی که از همه مهم‌تر است، «کارآمدی» است. کارآمدی یکی از عوامل اصلی بقای نظام سیاسی است. شما در کشورهای حاشیه خلیج فارس می‌بینید انسداد سیاسی داریم، اما کارآمدی اقتصادی است که به آنها تداوم حیات می‌دهد و بحران کمتری ایجاد می‌کند. من معتقدم چالش اصلی ما کارآمدی است؛ این کارآمدی فقط در حوزه اقتصادی نیست، بلکه کارآمدی سیاسی هم باید هم‌زمان دیده شود. مسئله دیگر، «امید به آینده» است. حجم مهاجرت، فروش اموال، تبدیل آنها و فرار از کشور پیام خطرناکی دارد مبنی بر اینکه مردم آینده‌نگر نیستند و در مقابل خودشان نمی‌بینند. ما باید به‌سرعت این مسئله را حل کنیم که اگر یک جوان ایرانی در دانشگاه، در کلاس و در محیط کار حضور دارد، باید باور داشته باشد که فردای بهتری پیش‌رو خواهد داشت. وقتی امید شکل نگیرد، نظام سیاسی دچار نوعی بحران درون‌سیستمی می‌شود. سطح بعدی هم همکاری نخبگان با دولت و نظام سیاسی است. تجربه تاریخی می‌گوید هر زمان نخبگان از دولت فاصله گرفته‌اند، دولت دچار افول و کاستی شده است؛ بنابراین دولت باید تلاش حداکثری را برای جلب و جذب نخبگان داشته باشد. من معتقدم نخبگان به‌منابه موتور محرکه‌ای هستند که پیشران توسعه و اهداف متعالی کشورند. در شرایط فعلی، نخبگان سیاست انزوا را در پیش گرفته‌اند. دولت و نظام سیاسی برای بقا به نخبگان، روشنفکران و اصحاب رسانه و قلم نیاز دارد. در شرایطی که رسانه ملی در جذب و جلب افکار عمومی دچار چالشی جدی است، این رسالت بر دوش نخبگان و رسانه‌هاست که بتوانند نقش حلقه واسط میان متن اجتماعی با نظام سیاسی را بر عهده بگیرند.

نکته بعدی، بازسازی روابط ما با کشورهای منطقه است. ما باید باور کنیم که نمی‌توانیم در منطقه، مشخصاً درباره همسایگان، دشمنی دائمی داشته باشیم. در خاورمیانه دشمنی دائمی ما با اسرائیل است و این استراتژی غیر قابل تغییر نظام سیاسی است که البته مبتنی بر اندیشه امام و رهبری است و درباره آن مناقشه‌ای وجود ندارد؛ یعنی اجماعی ملی علیه اسرائیل در کشور وجود ندارد. اما درخصوص سایر همسایگان این اجماع وجود ندارد. این ظرفیت برای همکاری گسترده‌تر استفاده کنیم و متقابلاً همسایگان ما نیز می‌توانند از ظرفیت بزرگ ایران استفاده کنند. با ترکیه، پاکستان، افغانستان، عراق، جمهوری آذربایجان و سایر همسایگان نیز می‌توانیم روابط استراتژیک داشته باشیم. ما باید با همسایگان توافق امنیتی امضا کنیم؛ به نحوی که احساس کنند از سوی ما در معرض تهدید نیستند. پس باید دنبال ترمیم روابط با همسایگان باشیم یا به تعبیری سیاست خارجی ما با همسایگان باید استراتژیک و پایدار باشد.

کاشما به نکته مهمی اشاره کردید که جامعه مسیر توسعه انسانی را طی نکرده است. اگر بخوایم روی ترکیب واژگانی توسعه انسانی توجه کنیم، نیمی از این انسان‌ها را زنان دربرمی‌گیرند. به‌طور مشخص آقای روحانی در شعارهای انتخاباتی‌شان به حضور و فعالیت زنان توجه وافر داشتند؛ حتی علاقه داشتند وزیر زن انتخاب کنند، اما نشد. می‌دانیم بخشی از این، دست دولت نبود، اما چرا در مدیریت‌های مابانی این اتفاق نیفتاد؟ مثلاً به‌طور مشخص من با یکی از معاونان وزارت ارشاد مصاحبه کردم که چرا دو نفر از مدیرهای کلان را زن قرار ندادید؟ گفت من نمی‌توانستم، گفتم چرا؟ گفت چون ریاست زن احتیاج به ریسک دارد، من در این بازه زمانی فرصت نداشتم.

معتقدم دولت روحانی کارنامه خوبی در توسعه حضور اجتماعی زنان داشته است و این کارنامه هر روز بهتر از گذشته می‌شود؛ بنابراین اگر بخوایم به‌صورت معدلی نگاه کنیم، باید نمره بالایی به دولت آقای روحانی بدهیم. نکته‌ای که وجود دارد، ایجاد بستری لازم برای حضور و ظهور زنان است. اگر بخوایم کاری تبلیغاتی، عوام‌فریبانه و پوپولیستی انجام بدهیم، توهین به شعور و منزلت زنان خواهد بود. به باور ما، زن و مرد در بنیان‌های فطری، فکری، انسانی و... تبعیض ندارند. نظام خلقت براساس عدالت (از جمله عدالت جنسیتی) بنا شده است، درنتیجه، این مسئله جزء باورهای اعتقادی ماست. نکته دوم، واقعیت‌های اجتماعی جامعه است، ما در بحث حضور زنان دچار چالش‌هایی هستیم؛ بنابراین مسئله حضور اجتماعی زنان باید با رویکرد استراتژیک و بلندمدت برنامه‌ریزی شود.

ظهور تدریجی زنان در عرصه سیاسی به صورت پایدار و مستمر، یک کار پروژه‌ای و تبلیغاتی نیست؛ بلکه یک فرصت است. تاکنون ۴۵ انتخابات در آمریکا برگزار شده است؛ ولی حتی یک رئیس‌جمهور زن وجود نداشته است؛ اما آیا زنان از کاندیداتوری ریاست‌جمهوری محروم هستند؟ خیر. این معنای نفی تبعیض است. از این منظر، طرح مسئله کمبود کثی حضور زنان، توهین به ایشان است. ما باید نگاه جنسیتی را نفی کنیم و نظام مدیریتی را براساس شایسته‌سالاری پایه‌ریزی کنیم؛ نه براساس نگاه جنسیتی. مسئله زنان در ایران باید در سطح گفت‌وابی حل شود و نظام سیاسی به این باور برسد که حضور زنان نه‌تنها تهدید نیست؛ بلکه یک فرصت است. ما باید تحت هر شرایطی زمینه حضور زنان را فراهم کنیم و این مسئله با دستور و بخش‌نامه و به صورت آمرانه حل نمی‌شود؛ بلکه باید زمینه‌های حضور زنان فراهم شود. این زمینه‌ها باید در دو نگاه ایجاد شود: اول، در سطح نظام دینی یعنی روحانیت و حوزه‌های علمیه و دوم، در سطح نظام سیاسی و اجتماعی. بنابراین این مسئله را نمی‌توان با بخش‌نامه و دستور آمرانه حل و فصل کرد.

کاشما در سطح گفت‌وابی چیزی درباره آقای روحانی نمی‌دانیم؛ ولی در سطح عمل‌گرایی فکر می‌کنم ایشان هیچ باوری نداشته‌اند. به دلیل اینکه به خانم ابتکار یک تنزل مقام دادند و ایشان را به معاونت زنان فرستادند و خانم مولاوردی در آن حوزه خوب کار می‌کرد که او را هم تنزل مقام دادند. برعکس آقای احمدی‌نژاد بالاخره یک وزیر زن برای اولین‌بار در جمهوری اسلامی گذاشت که آقای روحانی چنین شجاعتی را نداشت یا این امکان را داشت و نگذاشت.

این تصمیم را گرفته بودند؛ ولی مخالفت شد. کاشما چرا با احمدی‌نژاد مخالفت شد؟ از کسانی که مخالف وزیر زن هستند، سؤال کنید. چرا از روحانی سؤال می‌کنید؟ کاشما از دل کثبت، کیفیت به دست می‌آید. خیر. از دل کمیت، کیفیت خارج نمی‌شود؛ بلکه باور به نفی نگاه جنسیتی تنها استراتژی ممکن برای استقرار نظام شایسته‌سالاری از جمله حضور حداکثری زنان است.

آگهی ابلاغ

به این وسیله به شخص یا اشخاصی که نسبت به اتومبیل وموتور سیکلت ها و گوشه‌های ذیل ادعای مالکیت دارند ابلاغ می شود که ظرف مدت یک ماه (۳۰روز) از تاریخ نشر آگهی با همراه داشتن مدارک مالکیت و کارت شناسایی معتبر به شعبه ۲۳ اموال بلاصاحب ناحیه ۲۵ دادسرای عمومی و انقلاب تهران (اداره سرپرستی) واقع در تهران ، خیابان سئول ابتدای خیابان رشید یاسمی غربی نبش کوچه مهتاب طبقه همکف شعبه ۲۳ مراجعه نمایند، در غیر اینصورت بلاصاحب تلقی شده و اقدامات قانونی به عمل خواهد آمد.

ردیف	خودرو	شماره انتظامی	شماره موتور	شماره شاسی	شماره پرونده
۱	سوار ی پژو پرشیا	۵۳۳۵۷۶/ایران ۶۳	--	--	۹۵۰۲۲۹/۲۳
۲	هوندا ۱۲۵۰مشکی	-	۱۸۵۴۱۷	۸۳۰۰۶۵۱	۹۷۰۰۳۵/۲۳
۳	موتور سیکلت سه چرخ آبی	فاقد پلاک	--	۲۰۰A۸۹۱۰۴۵۵	۹۷۰۰۳۷/۲۳
۴	موتور سیکلت احسان مشکی	۵۳۱۴۶/ایران ۱۲۶	۰۱۲۵N۲N۳۲۷۱۱۱	۱۲۵E۹۳۲۰۸۳۵	۹۵۰۳۰۰/۲۳
۵	موتور سیکلت وزین مشکی	۸۲۴۳۱/ایران ۳۲۲	۱۲۰۰۰	۸۳۲۳۳۱۴	۹۵۰۱۳۱/۲۳
۶	موتور سیکلت رهرو قرمز	۵۵۲۵۹/ایران ۱۲۴	۳۱۲۵۶۲۰	۱۲۵G۹۳۲۳۱۳۰	۹۷۰۰۸۴/۲۳
۷	موتور سیکلت کیان آبی	۶۹۹۵۸/ایران ۱۳۵	۲۹۴۶۲۳۰	۱۲۵K۹۵۵۷۶۴۳	۹۷۰۰۸۵/۲۳
۸	موتور سیکلت آی تک آبی	۲۲۱۹۱/ایران ۱۲۴	۰۴۰۲۴۰۴۳۷	۸۳۰۳۰۲۹۷۲۹	۹۷۰۰۱۳/۲۳
۹	موتور سیکلت پالس ۱۸۰قرمز	۴۱۴۳۵/ایران ۱۱۷	۰۴۹۹۵	۱۸۰A۹۰۱۰۴۶۴	۹۶۰۱۴۱/۲۳
۱۰	موتور سیکلت شبرو ۱۲۵ سبز	۷۴۹۳۳/ایران ۱۱۸	۹۱۲۹۳۲۲	۱۲۵S۹۰۰۴۷۱۸	۹۷۰۰۷۷/۲۳
۱۱	موتور سیکلت شیرویه آبی	۱۱۱۸/تهران ۱۷	۱۶۷۸۴	۸۲۲۰۶۹۹۴	۹۷۰۰۹۰/۲۳

دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۲۵ تهران شعبه ۲۳

م الف ۳۰۳۹

رویداد

رئیس سابق سازمان انرژی اتمی:

احمدی‌نژاد گفت پروباکیهان برخوردکن

● فریدون عباسی، رئیس سابق سازمان انرژی اتمی در برنامه رودرو درباره احمدی‌نژاد سخن گفته که خلاصه آن به نقل از فارس می‌آید:
* احمدی‌نژاد، روحانی رو آور در سر کار. احمدی‌نژاد دولت مستقر بود، دولت مستقر خیلی کارها می‌تونه بکنه، ولی آقای احمدی‌نژاد از دوره‌ای که اومد سرکار، اجازه نداد کسی از درون دولتش، مطرح بشه برای بعد از خودش و برنامه‌اش روی مشایی بود، یعنی پاشو کرده بود تو یه کشف که آقای مشایی باید بیاد. اجازه نداد تفکر گفتمان انقلاب بیاد وسط، چون خودش هم تغییراتی کرده بود. خدماتی به جامعه کرده بود، به مردم رسیدگی کرده بود، ولی دیدگاه‌هاش هم تغییر کرده بود. حالا اکه بعضی میگن از اول تغییر داشت، من نمی‌دونم، نه من با ایشون بودم نه چیزی. ولی معتقدم به جریانی آمد کار کرد روی آقای احمدی‌نژاد

در سال ۸۲، کار کرد که آقای احمدی‌نژاد ۸۴ بشه رئیس‌جمهور. به جریانی که تو جامعه هم تعریف نشده بود، کسی فکر نمی‌کرد باید.
* سال ۹۲ آقای احمدی‌نژاد نگذاشت کس دیگه‌ای حتی از دولت خودش که تجربه بشه. فرض، آقای احمدی‌نژاد چرا نیومد سراغ من؟ چرا رفت سراغ مشایی؟ من نوعی! خب من به واجهتی داشتم دیگه تو جامعه، یعنی به‌عبارتی من خودم رو آدم نظام می‌دونم نه چپ و راست و اصلاح‌طلب و اصولگرا، نه هیچ‌چس چیزی نیست. نه ما مثلا داشتیم، چه ویژگی‌هایی آقای مشایی داشت که مثلا در بنده نبود؟ *مردم که رای‌دادن بعد از آقای خاتمی، دنبال این بودند که این‌فاصله حاکمیت رو حذف کنن. یعنی مردم، حاکمیت همه بشن یکدست و در دولت نهم این امید پیش اومده بود که همه برن شروع کنن سازندگی و اون حالت‌هایی که پیش اومده بود. توسعه سیاسی و یه مشت آدم بخوان تو تهران زندگی کنن و خوش بگذرونن، بخوان توسعه سیاسی رو خوشگذرونی تعریف کنن وگرنه توسعه سیاسی تعریف‌های دیگه‌ای هم داره.

می‌خواستن این فاصله رو در حاکمیت حذف کن. موفق شده بودن ولی به عده‌ای نذاشتن آقای احمدی‌نژاد درست کار کنه، عصبیش کردن، ناراحت کردن، از هر طریقی بگی اذیت کردن ایشون رو. پس ببینن، جناح‌های سیاسی جامعه، چپ و راستش فرقی نمی‌کنه. همه نذاشتن اون دولتی که مردم می‌خواستن درست تشکیل بشه. حالا آقای احمدی‌نژاد هم رفت در دولت دهم اصلا روالش رو عوض کرد، رفت همه تخم‌مرغ‌هاش رو گذاشت تو سبد به تعداد خاص، پاش رو کرد توی کشف مشایی و لاغیر. اجازه نداد حق افراد کاینه‌اش برن اسم بنویسن.

*سر روزنامه کیهان جالب بود، آقای احمدی‌نژاد داشت می‌رفت ونزوئلا، از تو هوایما نمی‌دونم کی کیهان رو گذاشته بود جلوی آقای احمدی‌نژاد، ایشون تیتِر کیهان رو دیده بود راجع به فردو، از تو هوایما زنگ زد به موبایل من، کی گفته راجع‌به فردو؟ خیلی هم عصبانی بود، محکم گفت، گفتم خب تیتِر زده روزنامه دیگه، حالا شما به سلامتی برید سفر و برگردید من براتون توضیح بدم. آقای احمدی‌نژاد برگشت، تقریبا یه ۱۰ روزی شد بعد از اون قضیه، من برم ایشون رو ببینم، رفتم گفتم آقا این چیزی که گفتین، کیهان زده و می‌که به من ربطی نداره، گفت مکه نباید مثلا اخبار هسته‌ای و اینا رو منسجم، طبق برنامه بدیم، گفتم کیهان می‌رم با آقای شرعتمداری صحبت می‌کنم. من همه رو خاموش می‌کنم، تو به نفر رو خاموش کن، گفت کی؟ گفتم تو اکه تونسیتی وزیر خارجه‌ات رو خاموش کنی که نه، این یور اون ور مصاحبه کنه، به اون چه مربوطه؟ رفته کشور غنا، باید بره راجع به دیپلماسی، اقتصاد و اینا صحبت کنه، دیپلماسی اقتصادی، رفته راجع به هسته‌ای صحبت کرده.